

■ **محمد رضا کائینی**

۱۰۶ سال پیش در چنین روزهایی، شخصیتی یا به عرصه وجود نهاد که بعدها در تکوین فرهنگ دینی و سیاست این مرز و بوم، نقشی مهم و درخور ایفا نمود. آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، بی‌تردید از بیدارگران و مصلحان این دیار است که در تحول و بازسازی کارکردی نمایان داشته است. در بازشناسی و تکریم منش‌نظری و عملی آن بزرگ، با مهندس مهدی چمران از شاگردان او، گفت و شنودی انجام داده‌ایم که نتیجه آن دربی می‌آید. امید آنکه تاریخ پژوهان و علاقه‌مندان را مفید و مقبول افتد.

■ ■ ■

**جنابعالی و شهیددکتر مصطفی چمران**، سال‌ها از مستمعان تفسیر مرحوم آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت تهران بوده‌اید. از نظر شما چه ویژگی‌های فکری و عملی در ایشان وجود داشت که وی را از بسیاری از اقربان متمایز کرده بود؟

بسم الله الرحمن الرحیم. مرحوم آیت‌الله طالقانی (رحمت‌الله علیه) دارای خصوصیات بارزی است که این خصوصیات، او را چه در زمان حیات و چه بعد از وفات، به‌سان یکی از شخصیت‌های بی‌نظیر تاریخ انقلاب اسلامی کشور ما قرار داده است. البته خصوصیات ایشان فراوان است، ولی من فقط چند مورد را یادداشت کرده‌ام و برمی‌شمرم که فکر می‌کنم از ویژگی‌های بارز این شخصیت ارجمند است.

امروز دنیای اسلام دنیای دیگری است. در همه کشورها نام اسلام و نام مکتب اسلام به گونه‌ای دیگر است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مکتب و ایدئولوژی اسلامی از تقا و برجستگی خاصی پیدا کرد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌خصوص بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد که فعالیت شدیدآیت‌الله طالقانی شروع می‌شود، دوران غربت اسلام بود. روشنفکران دانشگاهی و اکثر کسانی که خودشان را اهل دانش و علم می‌دانستند گرایششان به غرب یا شرق بود. اگر می‌خواستند خودشان را روشنفکر جلوه بدهند، خود را پیروان مارکس و کمونیسم و نظایر آن قلمداد می‌کردند و دین و معنویت و اعتقاد به خدا و وحدانیت و تحجر و قشری‌گری می‌پنداشتند و مورد تمسخر قرار می‌دادند. هر کسی می‌خواست دم از دینداری بزند، مارک تاجر و عقب‌ماندگی به او می‌زدند و طردش می‌کردند. در چنین زمانی آیت‌الله طالقانی در بین دانشجویان، حاضر و پشتوانه محکمی برای دانشجویان مسلمان می‌شود.

**یعنی دیگران این حجم از ارتباط را با روشنفکران و دانشگاهیان نداشتند؟**

این واقعیتی است که علما بودند، روحانیون معظم در جامعه حضور داشتند، ولی ارتباطی با جامعه روشنفکری نداشتند. در مساجد و منابر و مکان‌های خودشان، در حوزه‌ها حضور داشتند، ولی ارتباط این جامعه روشنفکر و دانشگاهی با آنان قطع بود. مرحوم طالقانی به صورت فردی به جمع این دانشجویان و دانشگاهیان و روشنفکران آمد و سخن از دین و مکتب گفت، این نیروهای مسلمان را سازمان داد، پشتوانه آنها شد و آنها از او نیرو گرفتند. از قول شهید دکتر چمران «می‌گویم که: «من از ۱۵ سالگی شاگرد مرحوم آیت‌الله طالقانی بودم و در درس تفسیر او شرکت می‌کردم. او پشتوانه انجمن اسلامی دانشجویان آن روز بود.» واقعاً هم چنین بود، البته انجمن اسلامی دانشجویان آن روز را می‌گویم، نه امروز را که توی دانشگاه اتاق و دفتر قدرت دارند و در کمسیون فرهنگی دانشگاه شرکت می‌کنند. انجمن اسلامی دانشگاه تهران در سرراه امین حضور، نزدیک سرچشمه، بالاخانه‌ای را اجاره کرده بود. دقیقاً یادم هست همراه برادر بزرگ‌ترنام که بزرگ‌تر طالقانی آمد و پشت این دانشجویان قرار گرفت.

امروز اگر روحانیت عزیز ما در فضاهای دانشگاهی حضور دارد، بسیار ارزنده است، ولی آن روز و در آن شرایط ارزش بسیار فراوان تری داشت، چون در دوران غربت اسلام بود، نه تنها در ایران که در همه جا همین طور بود. در کشورهای عربی نیز تفکر مارکسیسم یا سوسیالیسم قدرت داشت. جمال عبدالناصر، مصر و سوریه را به یاد بیاورید. فضا و جو اسلامی نبود. در چنین زمانی آیت‌الله طالقانی می‌آید و در بین جامعه روشنفکری، دم از اسلام می‌زند و این شجاعتی است بزرگ.

**با این همه به رغم توجه خاص ایشان به جوانان، ظاهرأ مخاطبان جلسات ایشان از تمامی اقشار بودند. اینطور نیست؟**

مجلس تفسیر ایشان، حالتی خاص داشت. افراد شرکت‌کننده، بیشتر از انجمن اسلامی مهندسین، انجمن اسلامی دانشجویان و این‌گونه افراد بودند. همین‌طور هم در مجالس دیگری که برپا می‌داشتند، مثل میلادها و تولد حضرت امام حسین(ع) و عید مبعث که در مسجد هدایت برگزار می‌شد، اکثر کسانی که آنجا شرکت می‌کردند، از قشر جوان، دانشجو و به‌طور کلی روشنفکرانی بودند که علقه مذهبی و اعتقادات دینی داشتند. در ایام عید فطر، در گلشهر کرج و نقاط دیگری جمع می‌شدند و آیت‌الله طالقانی برای آنها سخنرانی می‌کرد و هدایتگر قشر جوان و تحصیل‌کرده بود و تأثیرات زیادی بر جامعه اسلامی ما داشت.

**وجهت سیاسی آیت‌الله طالقانی در کنار جایگاه آندیشگی و نظری ایشان، یکی از فصول در خور بررسی در کارنامه اوست. به نظر شما، این جایگاه چگونه برای ایشان پدید آمد؟**

به نظر من بزرگ‌تر از رویکرد به جریان دانشگاهی و روشنفکری جامعه، شجاعت ایشان در زندان رفتن‌های مکرر است. خود زندان رفتن‌ها، خود مبارزه علیه شاه و در مقابل او با صلابت و قدرت تمام ایستادن، شجاعت



«نکته‌ها و خاطره‌هایی از خصال فکری و عملی آیت‌الله سیدمحمود طالقانی» در گفت و شنود با مهندس مهدی چمران

# طالقانی چمران را به عبدالناصر معرفی کرد

بی‌نظیری است، ولی من این شجاعت را که یک روحانی جلیل‌القدر مفسر قرآن برمی‌خیزد و به میان دانشجویان و روشنفکران می‌رود و بچه‌های مسلمان دانشجوها را جمع می‌کند و به آنها قدرت می‌بخشد و در مقابل کمونیسم و مارکسیسم آن روز می‌ایستد و مکتب فلسفی اسلام را تبیین می‌کند، بسیار بالاتر و برتر می‌دانم. آیت‌الله طالقانی همان موقع هم دین را از سیاست جدا نمی‌دانست. من دقیقاً به خاطر می‌آورم که در دوران ملی شدن صنعت نفت، اگر بزرگان دین می‌آمدند و در این مسائل شرکت می‌کردند، دیگران به تمسخر می‌گفتند:

اینجا بسوی نفت می‌دهند، بوی سیاست می‌دهند و دیگر از آنها، دنباله‌روی مذهبی نمی‌کردند و آنها را کنار می‌گذاشتند. آیت‌الله طالقانی از همان ابتدا دین و سیاست را با هم یکی می‌دانست. مفسر قرآن و بزرگ‌ترین مبارزی بود که علیه رژیم سلطنتی شاه می‌جنگید. او از همان ابتدا فلسفه‌بافی برای جدایی دین از سیاست را طرد کرد و فلسفه مدرس و بهتر بگویم فلسفه امام حسین(ع)، سرور شهیدان را و فلسفه امام علی(ع) و پیامبر بزگوار(ص) را تکرار کرد. او از اردوگاه سنتی مذهبی بیرون آمد و پا در اردوگاه روشنفکران گذاشت و دین و مذهب را در بین آنها رسوخ داد، تبلیغ و تبیین کرد و جلورفت و پدید آمد، بسیار با اهمیت بود.

در دانشگاه دم از مسلمانی زدن کار ساده‌ای نبود و او در چنان روزگاری، چنین کرد. به بزرگانی مثل آیت‌الله نائینی علاقه فراوانی داشت، چون ایشان بحث حکومت اسلامی را پیش کشیده بود. آیت‌الله طالقانی کتاب ایشان را هم تدوین کرده بود که حتماً ملاحظه فرموده‌اید. بنابراین این رویکرد را که یک عالم و متفکر دینی باید در مسیر سیاست و گرفتن حقوق سیاسی مردم گام بردارد، به‌شدت دنبال می‌کرد و از مخالفت‌هایی که از درون و بیرون جامعه ما با او می‌شد، هراسی به خود راه نمی‌داد. صلابت، شجاعت، قدرت، آزاداندیشی و مقاومت او در مقابل رژیم طاغوتی شاه کم‌نظیر بود.

**شما و شهیددکتر مصطفی چمران از ابواب جمعی دائمی مسجد هدایت، در یک دوره**

## تاریخ

فکت‌و‌گو ۸۸۴۹۸۴۷۹

۱۷ شهریور ۱۳۵۸،پهشت‌زهرای تهران، اسامه و اسدین نماز جمعه توسط آیت‌الله سیدمحمود طالقانی

## د

**مرحوم آیت‌الله طالقانی یک سال داشت که مؤتمر مصر شرکت کرد و هنگام بازگشت، از اینکه در آنجا در باره وحدت امت اسلامی سخنرانی کرده بود، بسیار پر نشاط و شادان بود. دکتر چمران از امریکا به اروپا آمد و از آنجا به مصر رفت و شاید بعد از حدود ۱۵ سال، معلم و مراد خود معرفی شد. او دو سال و تا آخر حیات عبدالناصر در مصر بود و بعد از فوت او که سادات آمد، مصر را ترک کرد**

کنید و آنها را تحریف نکنید.» بعد از اینکه سخنرانی ایشان تمام شد، دستگیرشان کردند و به زندان بردند. ایشان با این صلابت و قدرت، در مقابل رژیم شاه می‌ایستاد و می‌جنگید و واقعاً پشتوانه‌ای مستحکم برای مبارزین بود.

**رویکردهای فرامرز آیت‌الله و توجه خاص ایشان به مشکلات و مسائل جهان اسلام نیز، جنبه‌ای شاخص در سیره اوست. شما به عنوان یکی از حاضران دائمی مجالس ایشان، دراین باره چه به خاطر دارید؟**

طالقانی علاقه شدیدی به اتحاد اسلامی داشت و بر مسئله وحدت مسلمین و اتحاد اسلامی بسیار تأکید می‌کرد. همواره روی این مسئله تأکید داشت که نباید موضوعات اختلاف‌برانگیز شیعه و سنی را در مجامع عمومی و غیرعلمی مطرح کرد. می‌گفت: «چیزهایی را که ما به آنها یقین نداریم، نباید به عنوان اعتقاد مطرح کنیم و باید بیشتر روی نکات مثبت پای بفشاریم.» کتاب امام علی(ع)، نوشته عبدالفتاح عبدالمقصود و یکی از زیباترین کتاب‌ها در موضوع خود است. یادم هست وقتی ایشان اولین جلسه را ترجمه و منتشر کرد و آن را به مسجد هدایت آورد، بسپار مورد استقبال جوانان قرار گرفت. نویسنده این کتاب یک فرد سنی و اهل مصر بود که بعداً هم او را دعوت کردند و به ایران آمد و من از نزدیک هم دیداری با او داشتم. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، دو بار به ایران آمد. کتاب امام علی(ع) او کتاب بسیار جالبی است.

من برای اولین بار این نوشته زبانی آیت‌الله طالقانی را در مقدمه همین کتاب دیدم و چند سطر آن را که به یاد چهاردهمین قرن ولادت حضرت علی(ع) نوشته شده است، برایتان از رو می‌خوانم تا از بیان و قلم زیبایی آیت‌الله طالقانی نیز خاطرهای برایمان به وجود بیاید. فکر می‌کنم این کتاب در شش جلد یا هفت جلد چاپ شد، جلد اولش را مرحوم آیت‌الله طالقانی ترجمه کرده‌اند و جلدهای دیگرش را هم جناب آقای محمد مهدی جعفری زیر نظر آقای طالقانی.

به هر حال کتاب بسیار ارزشمندی است که در مورد امام علی(ع) توسط فردی که شیعه نیست، یعنی عبدالفتاح عبدالمقصود، اهل مصر نگاشته شده است. ایشان می‌نویسند: «به یاد چهاردهمین قرن ولادت – خطاب به حضرت امیرالمؤمنین(ع) است– ای طائر قدسی که از میان خانه خدا و جامه کعبه به روی فجر صادق

وافق تیره چشم گشودی و بانسیم صبح حیات، نغمه سر دادی. آنگاه میان زمین و آسمان بال و پر گشودی و جهان را پرصدا کردی.»۶۳بار با اوچ و حبیض آفتاب، منظومه عالم را درنوردیدی و سپس با پر و بال خونین و روی گلگون از درپچه محراب، با راق سرخ روی نهان ساتون و در میان شوق و حسرت متحیر گذاشتی.»

**شنیده‌ایم که آیت‌الله طالقانی شهید دکتر چمران را به جمال عبدالناصر معرفی کرد. آیا این نقل در دست است؟**
بله، آیت‌الله طالقانی به دنبالی ایجاد وحدت اسلامی چند بار در مؤتمر اسلامی شرکت کرد. «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» مؤتمری داشت که هر چند سال یک بار، یا دو سال یک بار، در یکی از کشورهای اسلامی و تا سال‌ها بعد از انقلاب اسلامی تشکیل می‌شد.

الان هم در بعضی از کشورها و گاهی هم در یک سال در مؤتمر مصر شرکت کرد و هنگام بازگشت، از اینکه در آنجا در باره وحدت امت اسلامی سخنرانی کرده بود، بسیار پر نشاط و شادمان بود. دکتر چمران از امریکا به اروپا آمد و از آنجا به مصر رفت و شاید بعد از حدود ۱۵ سال، معلم و مراد خود را دید و با او ملاقات کرد و توسط مرحوم طالقانی به جمال عبدالناصر معرفی شد. او دو سال و تا آخر حیات عبدالناصر

را در لبنان به ایران آمده بودند، در آنجا سخنرانی داشت، من هم قبل از اینکه به دانشگاه راه پیدا کنم، آخرین باری که آیت‌الله طالقانی صحبت کرد، در منزل بسیار بزرگی در کوچه قائم، بالاتر از میدان بهارستان و مجلسی کنونی بود که حیاط وسیعی داشت و در آن سخنرانی، هجمه شدیدی به دولت اشغالگر اسرائیل کرد و گفت که از نظر فقه اسلامی، یک یهودی در جامعه اسلامی حق ندارد ساختمانی بلندتر از ساختمان مسلمانین بسازد. جهود باید در جامعه اسلامی جزیی بدهد. بسیاری از مسائل فقهی را مطرح کرد و به رژیم شاهنشاهی تاخت.

**ظاهر آیت‌الله طالقانی، مخبرانی که از سوی ساواک به مسجد گسیل می‌شدند را می‌شناخت و گاه طعنه‌هایی هم به آنها داشت. شما شاهد مواردی از این دست هم بودید؟**

بله، یادم هست که می‌گفت: «می‌دانم که شما ساواکی‌ها روی پشت بام و داخل اینجا هستید و دارید یا بی‌سیم مطالب را منتقل می‌کنید، ولی مردانگی به خرج بدهید و عین سخنان مرا منتقل



## ۹ روزنامه جوان | شماره ۵۰۴۸

شد و قهرمان ملی ما، مرحوم تختی را دیدم که وارد شد و آمد و دست ایشان را بوسید و کنارشان نشست. فرزند متولی مسجد فوراً دوید و عکاسی را از خیابان صدا کرد و آورد و عکس یادگاری گرفتند. من هرچه گشتم، نتوانستم آن عکس را پیدا کنم. بعد از همین علیه تختی شروع شد و معلوم شد سرنوشت او به کجا انجامید و چگونه او را از میان برداشتند. به هر حال مرحوم آیت‌الله طالقانی دوران قبل از انقلاب را اغلب در زندان‌های موقت یا زندان‌های طویل‌المدت گذراند و تا چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را در زندان به سر برد. موقعی هم که از زندان بیرون آمد با آن استقبال عجیب و عظیم مردمی روبرو شد. خوب، فرصت اینکه آن موقع‌ها خدمتشان باشم و از بیان و کلام و راهنمایی‌هایشان استفاده کنیم، زیاد بود و علاقه و احترام ایشان نسبت به امام برای ما بسیار ارزشمند بود.

**آیت‌الله طالقانی تا چه میزان در بازگشت شهید دکتر چمران به ایران، پس از پیروزی انقلاب نقش داشت؟ یک بار از شما نقل شد که بی‌جوی آمدن ایشان بوده‌اند؟**

خاطرم هست دو سه روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، خدمت ایشان رسیدم و ایشان پرسید: «کتر چمران کجاست؟» گفتم: «خب معلوم است، لبنان!» گفت: «چرا نمی‌آید؟» گفتم: «می‌دانم.» گفت: «هر جور هست با او تماس بگیریدی و دعوتش کنیدی. الان کشور به او نیاز دارد.» هشت روز بعد روزی که دکتر چمران تصمیم گرفته بود به ایران بیاید، من در ساختمان نخست‌وزیری بودم. با تلکس تماس گرفته و خبر عزیمت خود به ایران را داده بود و من هم پیام آیت‌الله طالقانی را برایش فرستادم. دکتر همان شب همراه با جمعی وارد ایران شد و همسراه او چند بار در منزل آیت‌الله طالقانی خدمتشان رسیدیم. دکتر بارها با ایشان صحبت‌های طولانی و مفصلی، به‌خصوص در زمینه مسائل لبنان داشت که آن خود، داستانی طولانی دارد. به هر حال انقلاب اسلامی ما خوشبختانه به پیروزی رسید و مرحوم آیت‌الله طالقانی نقش بسیار ارزنده‌ای را در ایجاد و تکوین آن ایفا کرد. ایشان جوانان، دانشجویان و دیگری را که به‌شدت به وی

## د

**مرحوم طالقانی به صورت فردی به جمع دانشجویان و دانشگاهیان و روشنفکران آمد و سخن از دین و مکتب گفت. این تیروهای مسلمان را سازمان داد، پشتوانه آنها شد و آنها از او نیرو گرفتند. از قول شهید دکتر چمران می‌گویم که: «من از ۱۵ سالگی شاگرد مرحوم آیت‌الله طالقانی بودم و در درس تفسیر او شرکت می‌کردم. او پشتوانه انجمن اسلامی دانشجویان آن روز بود.»**

علاقه داشتند، به سوی امام، هدایت می‌کرد و این نقش ایشان بسیار سازنده و ارزشمند بود. کسانی که می‌خواستند از نام و فکر آیت‌الله طالقانی بهره‌برداری و سوءاستفاده کنند، با تدبیر ایشان موفق نشدند و نام نیک و بلند این مرد بزرگ در تاریخ و انقلاب اسلامی ما و جهان اسلام همچنان باقی و پابرجا ماند.

این مفسر بزرگ قرآن، یکی از استوانه‌های انقلاب اسلامی بود و دیدیم که با درگذشت او، چگونه ایران اسلامی به سوگ نشست و تهران و اطراف و شهرهای دیگر چگونه به هم ریخت و تعطیل شد. هیچ‌گاه خاطره آن روز را نمی‌توانم از خاطرم بزدایم. امیدوارم قدر و عظمت و ارزش این مردان بزرگ را که در انقلاب ما و تاریخ کشور ما نمونه بودند و شاید نظیر آنها را تا سال‌های سال نداشته باشیم، بدانیم. این مردان بزرگ انقلاب زنده بداریم. این ما هستیم و انقلاب ماست که باید همیشه نام این مردان را زنده بدارد تا خود بتوانند زنده بماند.

مرحوم آیت‌الله طالقانی سال‌های سال در کمال خضوع و تواضع – اینکه می‌گویم چون از نزدیک شاهد بوده‌ام – در کنار دانشجویان می‌نشست و در مجالس جشن آنها شرکت و برای آنها صحبت می‌کرد تا نسلی را بسازد که خوشبختانه توانست در مقابل رژیم شاهنشاهی بایستد و مقاومت کند و انقلاب اسلامی را به پیروزی برساند. یاد و نام این مرد بزرگ تاریخ را گرامی می‌داریم. ان‌شالله که راه و روش و مسیر او درسی باشد برای رهروان راه حق و عدالت و حقیقت. یادش گرامی باد.

**باتشکر از جنابعالی که وقت خود را به انجام این گفت‌وگو اختصاص دادید.**